

جایگاه ایران در میان کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای

مرکزی در افق سال ۲۰۱۵

براساس شاخص‌های توانمندسازی زنان

عزت ملاابراهیمی^۱، یاشار تارودی ممقانی^۲، عطیه هنردوست^۳

چکیده

اهداف توسعه هزاره به بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها می‌پردازد و داده‌های سالانه مربوطه این امکان را برای بسیاری از محققان فراهم می‌آورد که به مطالعه و پیش‌بینی روند توسعه کشورها بپردازند. در این میان، کشور ایران در یکی از برنامه‌های پُراقبال بلندمدت خود، موسوم به چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، جایگاه نخست را در میان کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی متصور شده است. با توجه به تأکید بر جایگاه زنان در توسعه اقتصادی کشور، در این پژوهش سعی شده که با استفاده از داده‌های گزارش شده درخصوص هدف سوم از اهداف توسعه هزاره، که متضمن ارتقای جایگاه زنان است، جایگاه ایران در میان کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی پیش‌بینی شود. به عبارت دیگر، در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا ایران در سال ۲۰۱۵ در میان پنج کشور اول منطقه قرار خواهد گرفت؟ برای بررسی این موضوع، مقادیر شاخص‌های مرتبط استخراج و با استفاده از مدل سری زمانی ARIMA ارزش آتی شاخص‌های مورد هدف در سال ۲۰۱۵ تخمین زده شده و براساس ارزش‌های پیش‌بینی شده رتبه ایران در میان کشورهای دیگر گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که برخلاف اینکه ایران توانسته است در اغلب زیرشاخه‌های هدف سوم توسعه هزاره به اهداف موردنظر در برنامه‌های توسعه‌ای نزدیک شود، در مقیاس بین‌المللی هنوز نتوانسته به اهداف خود دست یابد و نیازمند تغییر در سیاستگذاری است.

کلیدواژگان

ارتقای جایگاه زنان، اهداف توسعه هزاره، چشم‌انداز سال ۱۴۰۴، مدل سری زمانی، نسبت دختران به پسران.

mebrahim@ut.ac.ir
yashar_tar@yahoo.com
eco.a.honardost@ut.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه تهران
۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه وسترن استرالیا
۳. کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مفید
تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۶/۳، تاریخ پذیرش ۱۳۹۲/۱۰/۲۲

مقدمه

از اوایل دهه هفتاد قرن بیستم، توجه به نقش زن در توسعه جامعه به یکی از اولویت‌های نهادهای بین‌المللی تبدیل شد. پیش از آن، تصور می‌شد که نابرابری‌های جنسیتی بر اثر توسعه اقتصادی زایل و کم می‌شود. اگرچه این تصور درست بود، کم‌کم معلوم شد که کوشش برای رفع این نابرابری نیز می‌تواند محرک مناسب و خوبی برای توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی باشد. بنابراین، رابطه متغیر شکاف جنسیتی و توسعه اقتصادی-اجتماعی، رابطه‌ای دوسویه است و نمی‌توان صرفاً برای توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی کرد و امید داشت که یکی از محصولات آن کاهش شکاف‌های جنسیتی باشد، بلکه برنامه‌ریزی برای کاهش این شکاف‌ها نیز به نوبه خود می‌تواند توسعه اقتصادی را تسریع و تقویت کند [۱۳].

از شاخص‌های توسعه‌ای بسیاری برای بررسی‌های اقتصادی استفاده می‌شود. دسته‌ای از این شاخص‌ها در چارچوب شاخص‌های اهداف توسعه هزاره در سال‌های اخیر توجه بسیاری از اقتصاددانان و محققان را به خود جلب کرده است، زیرا این اهداف تقریباً مورد تأیید همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد است و اطلاعات آن از سوی سازمان‌های رسمی منتشر می‌شود و به منظور پیش‌بینی قابل اتکا خواهد بود.

اهداف توسعه هزاره^۱، که به اختصار MDG نیز خوانده می‌شود، عبارت است از هشت هدف اصلی که در سال ۲۰۰۰ در همایشی با حضور سران بسیاری از کشورها در سازمان ملل متحد به‌منزله اهداف توسعه هزاره توافق شد. در واقع، این اهداف مشخصه‌های توسعه اقتصاد در سطح بین‌الملل است که ۱۹۲ عضو سازمان ملل متحد و حداقل ۲۳ سازمان بین‌المللی بر تحقق آن‌ها در افق سال ۲۰۱۵ هم‌پیمان شده‌اند [۲۱]. تحقق این معیارها متضمن سلامت و رفاه بیشتری برای افراد کشورهای مختلف خواهد بود؛ به‌طوری‌که، مشخصاً ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها را هدف قرار داده است. اما در زمینه روند رشد کشورها باید اشاره کرد که روند حرکت و پیشرفت کشورها بسیار گوناگون و متفاوت است؛ به عبارت دیگر، درحالی‌که برخی از کشورها به بخش اعظمی از اهداف دست یافته‌اند، برخی دیگر در تلاش برای درک صحیح اهداف بوده و همچنان در تکاپوی استراتژی مناسب برای ارتقای روند رشد در این زمینه‌اند [۱۴]. هند و چین از کشورهای مطرحی هستند که با وجود جمعیت بالا، موفقیت چشمگیری در دستیابی به اهداف توسعه هزاره داشته‌اند [۲۲].

با توجه به اهمیت اهداف توسعه هزاره، دستیابی به آن در اولویت اهداف بلندمدت بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است [۲۳]. اما در این میان، یکی از برنامه‌های پراقبال بلندمدت چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ است که اهداف بلندمدت کشور ایران را تا سال ۱۴۰۴ تبیین کرده است

1. Millennium Development Goals

[۱۲]. در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، رتبه نخست در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، علمی، و سیاسی در میان کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی تصور شده است. «سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران با عنوان 'افق ۱۴۰۴' تلفیقی از این دو ویژگی را در خود جای داده است؛ یعنی از یک سو اهدافی که امکان دسترسی به آنها وجود دارد مد نظر قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، به افقی بر مبنای پتانسیل‌های موجود و نه براساس توانایی‌های بالقوه کنونی می‌اندیشد» [۲].

پرواضح است که پوشش همه اهداف توسعه هزاره و عملکرد کشور ایران در میان کشورهای منطقه در چارچوب یک پژوهش امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، با توجه به اهمیت جهانی به موضوع توانمندسازی زنان در کشورهای در حال توسعه، به خصوص کشورهای مسلمان و منطقه خاورمیانه، هدف سوم اهداف توسعه هزاره با نام برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در این تحقیق بررسی شده است، زیرا هرچه کشوری توسعه‌یافته‌تر باشد، شکاف بین توسعه‌یافتگی زنان و مردان کاهش می‌یابد. بنابراین، به این موضوع پرداخته‌ایم که آیا ایران از لحاظ دستیابی به هدف سوم توسعه هزاره می‌تواند در افق سال ۲۰۱۵ در میان پنج کشور اول آسیای مرکزی و خاورمیانه قرار بگیرد؟ گفتنی است «فرایند توانمندسازی زنان به معنای درک زنان درباره آن چیزی است که می‌خواهند انجام دهند و رشد و تمایل و شجاعت آنها در این امر است، تا آنجا که به شایستگی مورد نیاز برسند» [۱۰]. بنابراین «بهبود وضعیت زنان جزء الزامات اصلی در بهبود شاخص‌های توسعه در هر جامعه است. به عبارتی، بدون توجه به شرایط زنان، دستیابی به توسعه برای هیچ کشوری میسر نخواهد بود» [۴]. درنهایت، می‌توان به این نتیجه رسید که توانمندسازی زنان و مشارکت آنها در توسعه نیازمند آموزش و توسعه جنسیتی است. توانمندسازی یکی از اهداف توسعه جنسیتی است و به معنای افزایش شناخت، خودآگاهی، قابلیت اعتماد، و گسترش آزادی انتخاب زنان توسط خودشان است [۱۱].

پیشینه تحقیق

در چارچوب این موضوع، تحقیقات گسترده و متنوعی انجام نشده و پژوهش‌های انجام‌شده همگی شامل شرح و بسط شاخص‌ها و عوامل مربوطه به صورت تک‌بعدی است؛ بنابراین، با توجه به اینکه شاخص‌ها و اهداف مورد بررسی در این پژوهش به‌عنوان اهداف توسعه مطرح شده‌اند، با وجود نداشتن ارتباط مستقیم با موضوع تحقیق، می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد. اکرم در سال ۱۳۸۱ پژوهشی را با استفاده از روش مقایسه تابع دستمزد زنان و مردان، تقریبی از میزان اعمال نابرابری بر زنان در ایران به‌دست آورده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در بازار کار ایران، بر زنان نابرابری اعمال می‌شود و میزان آن نیز در مقایسه با مطالعاتی که در ایالات متحده آمریکا انجام شده بالاست. همچنین این مطالعه نشان داد که

زنان با اینکه تحصیلاتشان از مردان بالاتر است، به علت شدت میزان اختلاف در مقایسه با مردان دستمزد پایین‌تری دریافت می‌کنند. همچنین مشاهده شد که در همه گروه‌های مطالعه‌شده، تحصیلات بالاتر می‌تواند به مقدار درخور توجهی از میزان اعمال نابرابری بر زنان بکاهد [۱].

صادقی فسائی و کلهر، در سال ۱۳۸۶، طی مطالعه‌ای به بررسی ابعاد شکاف جنسیتی در طول برنامه سوم توسعه در سه سطح ملی، استانی، و مطالعه تطبیقی با سایر کشورها پرداختند. به نظر آن‌ها شروع برنامه سوم با پرداختن جدی به مسئله زنان و لزوم رفع شکاف‌های جنسیتی مصادف است. در کل، می‌توان گفت شاخص‌های بهداشتی، مرگ‌ومیر، زادوولد، و آموزش زنان در سطوح ابتدایی، متوسطه، و عالی مطابق با اهداف برنامه بوده است، ولی شاخص امید به زندگی و سهم زنان در بازار کار نتوانسته انتظارات را برآورده کند. همچنین در مقایسه با سایر کشورها، از لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی بر حسب جنسیت، تا حدودی توانسته وضع خود را در منطقه بهبود بخشد؛ اما درباره شاخص‌های توانمندسازی بر حسب جنسیت هنوز با کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته فاصله زیادی دارد.

در کل، می‌توان گفت اگرچه برای کاهش شکاف‌های جنسیتی گام‌های بلندی برداشته شده است، زنان هنوز با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو هستند؛ «برخی از این مشکلات و موانع به فشارها و اجبارهای توسعه برمی‌گردد، اما بخشی نیز به فرهنگ و سنت‌های حاکم مرتبط است که قابل اجتناب و مرتفع‌شدن است؛ به‌طوری‌که برنامه پنج‌ساله سوم توسعه از حیث تأکید بر شاخص‌ها و ضرورت کاهش شکاف‌های جنسیتی نسبت به برنامه‌های پیشین آن متمایز می‌شود» [۷].

لی در سال ۱۹۹۸ نشان داد که تحلیل برابری در قاره آسیا مستلزم در نظر گرفتن چهار مقوله است: جنس، درآمد، منطقه، و مقوله‌های فرهنگی-اجتماعی. همین‌طور یافته‌های او نشان داد که بسیاری از کشورهای آسیایی سعی در کم کردن تفاوت در برخورداری و عایدشدن از منافع برای زنان و مردان دارند، اما در هیچ جامعه‌ای هنوز با زنان و مردان به شکل یکسان رفتار نمی‌شود و همچنان در دسترسی به تحصیل یا فرصت‌های استخدامی بین زنان و مردان در بعضی از مناطق تفاوت وجود دارد. لی همچنین مطرح کرد که نابرابری جنسیتی با فقر انسانی ارتباطی تنگاتنگ دارد، اما لزوماً با رشد اقتصادی ملی ارتباطی ندارد [۱۹].

به علاوه، دالر و گاتی در سال ۱۹۹۴ ارتباط نابرابری جنسیتی را در آموزش و رشد اقتصادی مطالعه و تبیین کرده‌اند. آن‌ها تلاش کردند که فاصله‌های پنج سال به پنج سال از ۱۹۷۵-۱۹۹۰ را تبیین کنند. آن‌ها دریافتند که اتمام آموزش متوسطه زنان ارتباط مثبتی با رشد اقتصادی دارد؛ درحالی‌که اتمام دوره متوسطه برای مردان با رشد اقتصادی ارتباط منفی دارد [۱۵].

کاگاتای و اوزلر، در سال ۱۹۹۵، با استفاده از داده‌های بین کشوری در سال‌های ۱۹۸۵-

۱۹۹۰، به تحلیل ارتباط میان سهم زنان در نیروی کار و توسعه بلندمدت اقتصادی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که افزایش تجارت خارجی، گسترش بخش غیرکشاورزی، افزایش میزان شهرنشینی، و میزان تحصیلات به افزایش سهم زنان در نیروی کار منجر می‌شود [۸].

رودی رحیمی و اشفورت در مطالعه‌ای، در سال ۲۰۰۵، با اشاره به بی‌توجهی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در کشورهای خاورمیانه و افریقای شمالی، به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری در بهداشت تولید مثل و اثر آن بر شتاب دستیابی به اهداف توسعه هزاره پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بهداشت تولید مثل در زنان رابطه تنگاتنگی با توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. بنابراین بر میزان موفقیت کشورها برای ریشه‌کنی فقر و گرسنگی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. در واقع، دسترسی جهانی به برنامه‌های کنترل جمعیت و خدمات مرتبط به بهداشت تولیدمثل می‌تواند چرخه بازتولیدی فقر، بهداشت ضعیف، و نرخ باروری بالا را در کشورهای منطقه مذکور بشکند و کمک شایانی به میزان موفقیت برنامه‌های مبارزه با فقر کند [۲۰].

الصحاتی و همکاران طی مطالعه‌ای، در سال ۲۰۰۶، به بررسی ارزیابی اهداف توسعه هزاره در مصر پرداختند. در این پژوهش، اشاره شده است که مصر در چند سال اخیر موفقیت‌های درخور توجهی در کنترل مرگ و میر اطفال، کودکان زیر پنج سال و گسترش استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری داشته است. در عین حال، چالش‌هایی نیز پیش روی آن بوده است که عبارت‌اند از: اختلافات و شکاف‌هایی در کیفیت و دسترسی به برنامه‌ها و خدمات عمومی، نابرابری جنسی، نظام حقوقی گسسته، و کمبود فرصت‌های مشارکت اجتماعی در فرایند توسعه. محققان چند راهبرد را برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره پیشنهاد می‌دهد؛ از جمله: تقویت نظام‌مندی و اقتدار حکومت، تشویق مشارکت عمومی، ارتقای سیاست‌های بودجه‌ریزی عمومی، تقویت دانش و آگاهی و ایجاد رفتارهای سالم، و اتخاذ برنامه‌ها و سیاست‌هایی چارچوب فعالیت‌های چندبخشی [۱۶].

جامعه آماری و بازه زمانی مورد مطالعه

در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی برای مقایسه در نظر گرفته شده‌اند؛ بنابراین، از آنجا که این پژوهش نیز به دنبال بررسی چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ است، محدوده جغرافیای مورد بررسی نیز خاورمیانه و آسیای مرکزی خواهد بود که شامل کشورهای: اردن، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصر، یمن، فلسطین اشغالی، فلسطین^۱، ترکیه، و قبرس است [۱۷].

همچنین، با توجه به اینکه بسیاری از شاخص‌های اهداف توسعه هزاره شاخص‌های

۱. دربرگیرنده کرانه باختری رود اردن و فلسطین

شناخته شده‌ای هستند، به‌طور رسمی از سال ۲۰۰۰ داده‌های مربوط به شاخص‌های به صورت منظم و دسته‌بندی شده در اختیار محققان قرار گرفته است. به همین دلیل، محدوده زمانی مورد مطالعه در این تحقیق سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۸ است. گفتنی است، برخی از متغیرهای این شاخص داده‌های منظم با تواتر زمانی ندارند؛ بنابراین، هر جا داده‌ها به صورت سری زمانی نبودند، پیش‌بینی درباره آن کشور در شاخص مزبور انجام نخواهد شد.

روش تحقیق

برای پاسخ‌دادن به سؤال اصلی این تحقیق درباره رتبه ایران در تحقق هدف توسعه هزاره، در افق سال ۲۰۱۵، در حوزه کشورهای مورد هدف، گزارش‌های سالانه مربوط به اهداف توسعه هزاره استخراج و در سری‌های زمانی برای هر کشور و هر شاخص دسته‌بندی شده است. سپس، ساختار اقتصادسنجی هر یک از سری‌های زمانی تخمین زده شده و براساس مدل برآوردی ارزش آتی شاخص مذکور در سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی شده است. شایان ذکر است که به منظور بهینه‌سازی تخمین مدل برای هر یک از سری‌های زمانی مذکور تست‌های مرتبط جهت پایداری^۱ و ریشه واحد^۲ اعمال شده است. همچنین، برای بررسی جایگاه ایران در سال ۲۰۱۵ مقدار آتی هر یک از شاخص‌ها به تفکیک هر کشور پیش‌بینی و در جدولی رتبه‌بندی شده‌اند.

داده‌های تحقیق

از آنجا که این مطالعه مقایسه‌ای در حوزه کشورهای مختلف بوده است، بنابراین پرواضح است که شاخص‌های استفاده شده در این مطالعه باید حداقل دو ویژگی کلی زیر را داشته باشند.

۱. شاخص‌ها باید خالی از هرگونه تداخل یا ناهماهنگی نظری باشند. بدین معنی که ماهیت و اهمیت شاخص‌ها برای همه کشورهای بررسی شده پذیرفته شده باشد.
۲. داده‌های مرتبط با شاخص‌ها تواتر زمانی داشته و از منابع مورد اطمینان گزارش شده باشند.

بنابراین، با توجه به مطالب اشاره شده و پیش‌شرط‌های فوق، استفاده از شاخص‌های مربوط به اهداف توسعه هزاره، که مورد قبول حداقل ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل متحد بوده و مراجع قانونی کشورها به‌طور رسمی آن را گزارش کرده و از سوی دفتر آمار سازمان ملل متحد مورد بازنگری قرار می‌گیرد [۲۴]، توجیه‌پذیر است.

اما روند تولید و استخراج اطلاعات و داده‌های شاخص‌های اهداف توسعه در کشورهای

1. stationary
2. unit root

گوناگون متفاوت است؛ بدین معنی که درحالی که در کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی داده‌های گزارش شده تقریباً کامل و جامع است، در میان کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی برخی حتی اطلاعات اولیه را نیز گزارش نکرده‌اند [۲۴]، بنابراین، در دسترس نبودن اطلاعات موجب شده است که تخمین درباره برخی از شاخص‌ها فقط با مقایسه محدود انجام شود.

داده‌های اهداف توسعه هزاره هریک به تفکیک اهداف و به صورت جداگانه، یک بار در سال و در محدوده زمانی ماه جولای تا آگوست، گزارش می‌شوند. با وجود آنکه گزارش‌های سازمان ملل متحد به صورت سالانه منتشر می‌شود، تواتر گزارش داده‌های کشورهای با یکدیگر متفاوت است؛ مثلاً، برخی از کشورها شاخص مشخصی را به عنوان شاخص سالانه گزارش می‌کنند؛ درحالی که برخی دیگر شاخص مذکور را در مدت زمان سه‌ساله گزارش می‌کنند. در هر حال، با وجود تفاوت در تواتر داده‌ها میان کشورهای مختلف، به دلیل حصول اطمینان از صحت داده‌های مورد استفاده، گزارش‌های سالانه اهداف توسعه هزاره منبع اصلی داده‌های این تحقیق است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، هدف سوم از هشت هدف توسعه هزاره به یک زیرمعیار تقسیم شده و در مجموع به وسیله ۳ شاخص اندازه‌گیری شده است.

جدول ۱. هدف سوم از اهداف توسعه هزاره با یک زیرمعیار و ۳ شاخص

هدف	شاخص برای پیش‌رود
گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان	نسبت دختران به پسران در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان سهم درآمد (آورده) زنان در بخش‌های غیرکشاورزی نسبت کرسی‌های مجلس در اختیار زنان

مأخذ: UN. Official list of MDG indicators

شاخص نسبت دختران به پسران در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان

دسترسی به آموزش و کسب مهارت (صرف‌نظر از جنسیت) برای همه، به‌منزله عامل رقابت، حداقل در دوره زمانی متوسط تا طولانی‌مدت، می‌تواند نابرابری‌ها را کم کند و علاوه بر این، تجارب کشورهای جنوب شرق آسیا نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در آموزش زنان موجب افزایش تولید اجتماعی می‌شود و زمینه را برای رشد و توسعه بیشتر فراهم می‌کند. مطالعه انجام‌شده براساس این شاخص در سال ۱۹۹۸ نشان داد جوامعی که طی سی سال گذشته و قبل از آن پیشرفت بیشتری داشته‌اند، برابری بیشتری در توزیع منافع توسعه بین زنان و مردان کسب کرده‌اند و شکاف جنسیتی آنان در تحصیلات به‌سرعت کمتر شده است. سطوح تحصیلات نیز به‌طور پیوسته برای زنان کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد [۱۸].

همین اساس، این شاخص به منزله یکی از شاخص‌های اهداف توسعه هزاره در نظر گرفته می‌شود. این شاخص در واقع نرخ اشتغال به تحصیل دانش‌آموزان مؤنث به دانش‌آموزان مذکر در مقاطع تحصیلی سه‌گانه است. برای استانداردسازی تأثیرات ساختار جمعیت گروه‌های سنی مختلف شاخص برابری جنسیت^۱ در نرخ ناخالص اشتغال به تحصیل^۲ و به‌ازای هر سطح آموزشی لحاظ می‌شود.

روش اندازه‌گیری: برای محاسبه نرخ ناخالص ثبت‌نام لازم است در ابتدا تعداد دانش‌آموزان سنین استاندارد هر مقطع آموزشی محاسبه و سپس فرایند مذکور برای کل مقطع ابتدایی و راهنمایی اعمال شود. در نهایت، با توجه به تعداد کسانی که مقطع راهنمایی را تمام کرده‌اند، می‌توان سن ورود افراد به دبیرستان را تخمین زد. سپس، تعداد دانش‌آموزانی را که در هر مقطع ثبت‌نام کرده‌اند به تعداد دانش‌آموزانی که در سنین مربوطه بوده‌اند تقسیم و در نهایت عدد به دست آمده را به صورت درصد بیان می‌کنیم. این نرخ برای زنان و مردان به صورت جداگانه نیز محاسبه می‌شود. در مرحله بعد، نرخ برابری جنسیت را از طریق تقسیم نرخ ناخالص ثبت‌نام زنان بر نرخ ثبت‌نام ناخالص مردان به دست می‌آوریم. گفتنی است که نرخ برابری جنسیت ۱ نشان‌دهنده برابری کامل میان زنان و مردان است. اگر این نرخ میان صفر و ۱ متغیر باشد، به معنی به هم خوردن تعادل به نفع مردان و اگر این نرخ بیش از یک باشد، به این معناست که میزان زنان در ثبت‌نام بیش از مردان است. البته این شاخص معیار مناسبی برای تعیین میزان تحصیل زنان نیست، زیرا افزایش نرخ ممکن است به دلیل کاهش ثبت‌نام مردان باشد.

شاخص سهم درآمد (آورده) زنان در بخش‌های غیر کشاورزی

این شاخص سهم (نسبت) درآمد زنان در بخش‌های غیر کشاورزی یا به عبارت دیگر سهم نیروی کار مؤنث در درآمد بخش‌های غیر کشاورزی است که به صورت درصد ارائه می‌شود. بخش‌های غیر کشاورزی به‌طور خلاصه شامل بخش‌های صنعت و خدمات می‌شود. در این باره، برای طبقه‌بندی مشاغل مختلف در اقتصاد کشورها از استاندارد به نام «استاندارد بین‌المللی طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی» استفاده می‌کنند.^۳ درآمد خانوارها فقط به حقوق‌بگیران و مستمری‌بگیرانی اشاره دارد که در زمان مشخصی و در قبال انجام دادن کار از قبل تعریف شده‌ای مبلغی از کارفرمای خود دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، کسانی که مثلاً در مقابل فعالیت خود امکاناتی از قبیل سکونت رایگان، غذا، یا حتی در مقاطع نامشخصی پاداش یا

1. GPI - Gender Parity Index

2. GER - Gross Enrolment Ratio

3. International Standard Industrial Classification of All Economic Activities - ISIC-Rev.2& ISIC-Rev.3

درصدی کارمزد و... دریافت می‌کنند در این دسته قرار ندارند. تقسیم‌بندی انواع فعالیت‌های اقتصادی براساس استاندارد سازمان جهانی^۱ کار، که در سال ۱۹۹۳ معرفی شده است، انجام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان نسبت کمتری از کل نیروی کار را، به‌ویژه در بخش‌های غیرکشاورزی و در مناطق شهری، تشکیل می‌دهند و عمدتاً در مشاغل کم‌درآمد متمرکزند. به‌طوری که فقط ۱۰ درصد درآمد جهان به زنان اختصاص یافته است. درنهایت، زنان کمتر از یک درصد از کل دارایی جهان را در اختیار دارند [۹].

از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که نابرابری جنسیتی در بازار کار را باید از نظر اقتصادی و اجتماعی مطالعه کرد. به‌طور کلی، موقعیت نامطلوب زنان در اشتغال از لحاظ کمی و کیفی ترکیبی از سه نوع تفاوت است: فقدان نسبی تلاش جامعه و خانواده برای بهبود و اصلاح مهارت آنان، توجه‌نکردن به فرصت‌ها برای مشارکت اقتصادی وسیع‌تر، و تفاوت در ورود و تحرک صعودی در اشتغال. علاوه بر این، اندیشه باطل درباره برگشت اندک سرمایه در مورد تحصیل دختران، که به پایین‌بودن سطح آموزش و تحصیلات در میان شاغلان زن منجر می‌شود و در نتیجه، کارفرمایان به علت پایین‌بودن مهارت و تحصیلاتشان از استخدام آنان در مشاغل با درآمد بالا امتناع می‌کنند، از موضوعاتی است که باید به آن توجه شود.

روش اندازه‌گیری

$$SW = \frac{NW}{TN} \times 100 \quad (1)$$

که در آن:

SW: سهم درآمد زنان در بخش‌های غیرکشاورزی

NW: تعداد زنان شاغل در مشاغل با حقوق مشخص در بخش‌های غیرکشاورزی

TN: تعداد کل شاغلان در مشاغل با حقوق مشخص در بخش‌های غیرکشاورزی

همان‌طور که اشاره شد، برای اندازه‌گیری این شاخص باید بخش‌های اقتصاد براساس نوع فعالیتشان طبقه‌بندی و تفکیک شوند. به‌طور پیش‌فرض، این طبقه‌بندی براساس استاندارد سازمان جهانی کار انجام می‌شود، اما در برخی از موارد کشورها از استاندارد مذکور به‌طور کامل پیروی نکرده و در نتیجه طبقه‌بندی فعالیت‌ها و مشاغل بخش کشاورزی و غیرکشاورزی در آن کشورها متفاوت خواهد بود. تفاوت فعالیت‌ها و مشاغل طبقه‌بندی شده در بخش کشاورزی در کشورهای مختلف سبب ایجاد مشکلاتی در مقایسه‌پذیری این شاخص می‌شود که باید مدنظر قرار گیرد. همچنین، تخمین‌ها براساس داده‌هایی است که از منابع مختلف از قبیل سرشماری‌های همگانی، مطالعات موردی، و حتی نمونه‌گیری‌ها به دست آمده است، بنابراین شفاف‌نبودن یا خطای محاسباتی در هریک از منابع فوق امکان خطا در نتیجه را بیشتر می‌کند. درضمن، فقط برخی از کشورها توانسته‌اند داده‌های مربوط به این معیار را با تواتر مشخص

1. ICSE - ILO Resolution concerning the International Classification of Status in Employment

اندازه‌گیری و ارائه کنند. در واقع، این شاخص به‌نوعی میزان دسترسی زنان را به کارهای با حقوق و درآمد مشخص اندازه‌گیری می‌کند. همچنین، این معیار مشخص‌کننده میزان بازبودن بازارهای کار در بخش‌های خدمات و صنعت به روی زنان است که به‌طور واضح بر انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار و ظرفیت اقتصاد برای پذیرش تغییرات زمان تأثیرگذار است. مشخص است که این شاخص، مانند سایر شاخص‌های حجمی، فقط به کمیت توجه دارد و سطح کیفی را اندازه‌گیری نمی‌کند؛ یعنی، باید اشاره کرد که الزاماً کمبود این شاخص به خودی خود می‌تواند نشان‌دهنده میزان حضور کم زنان در بازار نیروی کار باشد.

شاخص نسبت کرسی‌های مجلس که در اختیار زنان است

این شاخص نشان‌دهنده تعداد کرسی‌های در اختیار زنان در مجلس اصلی (برخی کشورها مجلس پارلمان و سنا دارند)، نسبت به کرسی‌های نمایندگان مردان در مجلس اصلی به کل کرسی‌های موجود در مجلس مذکور است. مجالس ملی ممکن است یک یا دو مجلس مقننه باشد، ولی این شاخص فقط کرسی‌های اصلی مجلس ملی در کشورهای یک مجلس و فقط کرسی‌های مجلس پابینی را در کشورهایی با دو مجلس شامل می‌شود. در این میان، باید اضافه کرد که نحوه انتخاب این نمایندگان در این شاخص تأثیری ندارد؛ یعنی اینکه این نماینده‌ها انتصابی باشند یا انتخابی و گزینشی هیچ تفاوتی در اندازه‌گیری این شاخص ندارد. گفتنی است که هیچ‌گونه وزن‌دهی یا استانداردسازی در این خصوص بر آمار مذکور انجام نمی‌شود.

مدل تحقیق

همان‌طور که ذکر شد، داده‌های مربوط به شاخص‌های مورد نظر در این مطالعه در مقاطع سالیانه‌اند. بنابراین، برای تحلیل و تخمین این داده از روش سری‌های زمانی استفاده می‌شود. مدل‌های سری زمانی این امکان را برای محققان فراهم می‌کند که با تخمین ساختار داده‌های سری زمانی، در صورت نیاز به پیش‌بینی مقدار آتی آن سری زمانی بپردازند. در این مطالعه، برای هر یک از سری‌های زمانی به تفکیک شاخص و در هر کشور تست‌های مربوط به پایداری و ریشه واحد انجام گرفته است و براساس آن، وقفه زمانی استخراج شده و با تخمین‌های پی‌درپی بهترین ساختار سری زمانی ARIMA^۱ برای سری زمانی مذکور ارائه شده است. سری زمانی با ساختار ARIMA ترکیبی از مدل‌های سری زمانی میانگین متحرک^۲ و خودگردان

1. Auto Regressive Integrated Moving Average
2. MA- Moving Average

یکپارچه^۱ است که یکی از مدل‌های پرکاربرد سری زمانی به‌شمار می‌رود. مدل‌های ARIMA در سری زمانی برای فهم بهتر مدل یا پیش‌بینی آینده به‌کار می‌رود [۶]. قالب کلی معادلات مورد استفاده برای هر کشور و هر شاخص یعنی مدل ARIMA (p,d,q) به شکل زیر است:

$$(1 - \sum_{i=1}^p \alpha_i L^i) (1-L)^d Y_t = (1 + \sum_{i=1}^q \beta_i L^i) u_t \quad (2)$$

که در آن:

L: عمل‌کننده وقفه زمانی

Y_t: میزان ارزش شاخص برای کشور و هدف مشخص

u_t: عبارت خطا

α_i: ضریب AR

β_i: ضریب MA

به عبارت دیگر، مدل‌های ARIMA در واقع حالت کلی مدل‌های ARMA هستند، با این تفاوت که به صورت پیش‌فرض برای تخمین سری‌های زمانی در مدل‌های ARMA این سری‌ها باید پایدار باشند و از آنجا که سری‌های زمانی موجود در مباحث اقتصادی عموماً ناپایدارند، بنابراین قبل از تخمین مدل‌های ARMA، می‌توان با تفاضل‌گیری از متغیرها آن‌ها را پایدار کرد [۳، ص ۲۹۶-۲۹۹]. در مدل‌های ARIMA تعداد تفاضل‌گیری یا وقفه زمانی مورد نیاز برای کردن سری زمانی نیز در مدل نشان داده می‌شود؛ بنابراین، استفاده از مدل‌های ARIMA ساختار کلی‌تری را از مدل‌های ARMA به دست می‌دهد و در مدل‌های ARIMA می‌توان تعداد وقفه زمانی مورد نیاز برای پایدار کردن سری‌های زمانی را نیز مشخص کرد؛ مثلاً ساختار مدل تخمین زده شده ARIMA (1,1,2) به شکل زیر خواهد بود:

$$X_t = u_t + X_{t-1} + \alpha_1 (X_{t-1} - X_{t-2}) - \beta_1 u_{t-1} - \beta_2 u_{t-2} \quad (3)$$

در این تحقیق، در ابتدا با استفاده از تست‌های دیکی فولر تعمیم یافته^۲ و نمودارهای همبستگی میزان وقفه زمانی مورد نیاز استخراج و سپس بهترین مدل ARIMA برای هر شاخص و هر کشور گزارش می‌شود [۵، ص ۴۲-۴۵]. در ادامه نیز، ارزش آتی شاخص‌ها در سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی و به همراه مشخصات مدل، ضرایب R² نیز گزارش شده است و براساس ارزش نهایی، رتبه هر کشور در سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی شده است. یکی از مشکلات ناشی از استفاده شاخص‌های مربوط به نابرابری جنسی، در میان کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی، نبود داده‌های کافی یا با تواتر مناسب است که در برخی از موارد، حتی با وجود آنکه تخمین مدل ARIMA امکان‌پذیر بوده است، پیش‌بینی آتی شاخص میسر نیست؛ مثلاً، برای اینکه مدل به صورت ARIMA (2,1,2) تخمین زده شود، حداقل داده‌های مورد نیاز برای هر مقطع

1. AR- Auto Regressive

2. ADF

زمانی (در مثال این مطالعه هر سال) وجود حداقل داده‌های سه سال بیش برای هر سال تخمین مورد نیاز است که در این مطالعه متأسفانه تعداد بسیار اندکی از کشورها داده‌های خود را برای شاخص‌های مذکور با تواتر مناسب گزارش کرده‌اند و درنهایت در مواردی که امکان تخمین مدل و پیش‌بینی ارزش آتی شاخص وجود نداشته است، سعی شده با ارائه جداول و نمودارهای مرتبط تصویر کلی ارائه شود.

تحلیل یافته‌ها

از آنجا که روند سری زمانی کشور ایران در خصوص شاخص‌های معرفی شده یکسان نیست، بنابراین، تحلیل و نتیجه‌گیری در این بخش به تفکیک هریک از شاخص‌ها ارائه شده و درنهایت براساس تحلیل‌های صورت گرفته نتیجه نهایی در خصوص فرضیه تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخص نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر در مقاطع تحصیلی مختلف

این شاخص از شاخص‌های هدف سوم از اهداف توسعه هزاره در سه سری زمانی مختلف گزارش می‌شود. تحلیل و تخمین ریاضی و اقتصادسنجی این شاخص به دلیل عدم گزارش داده‌ها با تواتر و دقت مشخص به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست. بنابراین، برای تحلیل شاخص مذکور از اطلاعات به‌دست آمده ترکیبی از تحلیل ریاضی و نموداری استفاده شده است. گزارش این شاخص در سه سری زمانی امکان مقایسه نسبت دختران به پسران را در سه مقطع مختلف فراهم کرده است که نتایج آن در جداول ۲، ۳ و ۴ نشان داده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که تقریباً همه کشورهای، به جز عربستان، عراق، و یمن، با نوسان کمی در برابری نسبت دختران به پسران در مقطع ابتدایی قرار دارند. به عبارت دیگر، عربستان، عراق، و یمن، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی‌شان، کمترین نسبت دختران به پسران را در منطقه داشته‌اند. در این کشورها، برابری تعداد دختران به پسران در مقاطع تحصیلی مستلزم تغییرات بسیار زیادی در سیستم اقتصادی و اجتماعی است. درباره ایران نتایج نشان‌دهنده روند رو به رشد برابری نسبت دختران به پسران در مقطع ابتدایی است؛ به طوری که، دختران بیش از پسران در مقطع ابتدایی ثبت‌نام می‌کنند و آموزش می‌بینند؛ تا جایی که، طبق پیش‌بینی‌های مدل ARIMA، تا پایان سال ۲۰۰۸ ایران در مقایسه با سایر کشورها بالاترین نرخ ثبت‌نام دختران نسبت به پسران را در مقطع ابتدایی دارد و مصر در این میان رتبه آخر را دارد. این در حالی است که در کشورهای منطقه و اسلامی، شکاف جنسیتی در مقطع ابتدایی ملموس است.

جدول ۲. نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر در مقطع ابتدایی

نسبت دختران به پسران در مقطع ابتدایی									
کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
قطر	۰٫۹۷	۰٫۹۹	۰٫۹۶	۰٫۹۷	۰٫۹۷	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۹
کویت	۱٫۰۲	۱٫۰۲	۱	۱٫۰۱	۱	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۸
امارات متحد عربی	۰٫۹۶	۰٫۹۷	۰٫۹۷	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۹	۱	--
بحرین	۱٫۰۲	۱٫۰۱	۱	۱٫۰۱	۱	۰٫۹۹	۰٫۹۹	--	۰٫۹۸
عمان	۰٫۹۷	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۹	۰٫۹۹	۱	۱	۱٫۰۱	۱٫۰۱
قبرس	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰٫۹۹	۰٫۹۹
عربستان سعودی	--	--	--	--	--	۰٫۹۷	--	۰٫۹۶	۰٫۹۶
ترکیه	۰٫۹۲	۰٫۹۳	۰٫۹۳	۰٫۹۴	۰٫۹۵	۰٫۹۵	۰٫۹۶	۰٫۹۷	۰٫۹۷
لبنان	--	--	--	--	--	--	۰٫۹۷	۰٫۹۷	۰٫۹۷
ج.ا. ایران	۰٫۹۵	۰٫۹۵	۰٫۹۶	۰٫۹۷	۱٫۱	۱٫۲۲	۱٫۲۸	۱٫۳	۱٫۴
قزاقستان	۱٫۰۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مصر	۰٫۹۲	۰٫۹۳	۰٫۹۴	۰٫۹۵	۰٫۹۶	۰٫۹۶	۰٫۹۴	۰٫۹۵	--
اردن	۱	--	۱	۱	۱	۱٫۰۱	۱٫۰۲	۱٫۰۲	۱٫۰۱
سوریه	۰٫۹۲	۰٫۹۳	۰٫۹۳	۰٫۹۴	۰٫۹۵	۰٫۹۵	۰٫۹۶	۰٫۹۶	۰٫۹۶
عراق	۰٫۸۳	۰٫۸۳	۰٫۸۵	۰٫۸۵	۰٫۸۴	۰٫۸۴	--	--	--
ازبکستان	۰٫۹۹	۰٫۹۹	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۹	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۸
یمن	۰٫۶۳	۰٫۶۳	۰٫۶۶	۰٫۶۹	۰٫۷۱	۰٫۷۴	--	--	۰٫۸
فلسطین	۱	۱٫۰۱	۱	۱	۱	۰٫۹۹	۱	۱	۱
قرقیزستان	۰٫۹۹	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۱	۰٫۹۹	۰٫۹۹	۰٫۹۹	۰٫۹۹
تاجیکستان	۰٫۹۳	۰٫۹۳	۰٫۹۶	۰٫۹۵	۰٫۹۵	۰٫۹۶	۰٫۹۵	۰٫۹۶	۰٫۹۶

جدول ۳. محاسبات صورت گرفته و مدل‌های تخمین زده شده

حذف تبعیض جنسی در آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۰۵ و در کلیه سطوح آموزشی تا سال ۲۰۱۵		زیرمعیار		سوم		شاخص
نسبت دختران به پسران در مقطع ابتدایی						سری زمانی
رتبه تخمین زده شده در سال ۲۰۱۵ میلادی	ارزش معیار در سال ۲۰۱۵	معیار R^2 تعدیل شده	معیار R^2	مدل تخمین زده شده	نام کشور	ردیف
۳	۱,۰۳۰	٪۹۸	٪۹۹	ARIMA(2.0.3)	امارات متحد عربی	۱
۱	۱,۱۷۰	٪۷۸	٪۸۳	ARIMA(0.0.2)	ج.ا.ایران	۲
۶	۰,۹۹۰	٪۵۲	٪۷۴	ARIMA(1.0.0)	قبرس	۳
۹	۰,۹۴۷	٪۵۲	٪۷۶	ARIMA(2.0.1)	مصر	۴
۷	۰,۹۷۰	٪۸۶	٪۹۴	ARIMA(2.0.2)	کویت	۵
۲	۱,۰۴۰	٪۸۹	٪۹۳	ARIMA(2.0.1)	عمان	۶
۴	۰,۹۹۸	٪۶۱	٪۷۷	ARIMA(2.0.1)	فلسطین	۷
۵	۰,۹۹۱	٪۸۴	٪۹۵	ARIMA(2.0.3)	قرقیزستان	۸
۸	۰,۹۶۰	٪۹۸	٪۹۹	ARIMA(2.1.2)	تاجیکستان	۹

جدول ۴. نسبت دانش آموزان دختران به پسران در مقطع راهنمایی

نسبت دختران به پسران در مقطع راهنمایی									
کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
قطر	۱٫۰۴	۱٫۱۱	۱٫۱۴	۱٫۱۹	۱٫۲۳	۱٫۳۲	۱٫۳۸	۱٫۴۵	۱٫۴۶
کویت	۱٫۰۳	۱٫۰۵	۱٫۰۵	۱٫۰۴	۱٫۰۶	۱٫۰۵	۱٫۰۵	۱٫۰۲	۱٫۰۴
امارات متحد عربی	۱٫۰۵	۱٫۰۴	۱٫۰۵	۱٫۰۳	۱٫۰۲	۱٫۰۲	۱٫۰۲	۱٫۰۲	--
بحرین	۱٫۰۸	۱٫۱	۱٫۰۹	۱٫۰۸	۱٫۰۷	۱٫۰۷	۱٫۰۶	--	۱٫۰۴
عمان	۰٫۹۹	۰٫۹۹	۰٫۹۸	۰٫۹۷	۰٫۹۶	۰٫۹۶	۰٫۹۶	۰٫۹۶	۰٫۹۷
قبرس	۱٫۰۴	۱٫۰۱	۱٫۰۲	۱٫۰۲	۱٫۰۳	۱٫۰۲	۱٫۰۲	۱٫۰۲	۱٫۰۱
عربستان سعودی	--	--	--	--	--	۰٫۹۱	--	--	۰٫۸۵
ترکیه	۰٫۷۴	۰٫۷۴	۰٫۷۳	۰٫۷۳	۰٫۷۸	۰٫۸۴	۰٫۸۴	۰٫۸۵	۰٫۸۹
لبنان	--	--	--	--	--	--	۱٫۱	۱٫۱۲	۱٫۱۱
ج.ا. ایران	۰٫۹۳	۰٫۹۳	۰٫۹۴	۰٫۹۴	۰٫۹۷	۰٫۹۷	۰٫۹۸	۱٫۰۲	۰٫۹۸
قزاقستان	۱٫۰۲	۰٫۹۸	۰٫۹۹	۱٫۰۱	۰٫۹۹	۰٫۹۸	۰٫۹۸	۰٫۹۹	۰٫۹۸
مصر	۰٫۹۳	۰٫۹۳	۰٫۹۳	۰٫۹۴	۰٫۹۴	--	--	--	--
اردن	۱٫۰۴	--	۱٫۰۳	۱٫۰۳	۱٫۰۲	۱٫۰۳	۱٫۰۳	۱٫۰۴	۱٫۰۴
سوریه	۰٫۹۲	۰٫۹	۰٫۹۱	۰٫۹۳	۰٫۹۳	۰٫۹۴	۰٫۹۵	۰٫۹۷	۰٫۹۸
عراق	۰٫۶۲	۰٫۶۱	۰٫۶۱	۰٫۶۲	۰٫۶۷	۰٫۶۷	۰٫۶۷	--	--
ازبکستان	۰٫۹۷	۰٫۹۷	۰٫۹۷	۰٫۹۶	۰٫۹۶	۰٫۹۷	۰٫۹۷	۰٫۹۸	۰٫۹۸
یمن	۰٫۴۲	۰٫۴۲	--	۰٫۴۵	۰٫۴۸	۰٫۴۹	--	--	--
فلسطین	۱٫۰۶	۱٫۰۸	۱٫۰۶	۱٫۰۶	۱٫۰۵	۱٫۰۵	۱٫۰۶	۱٫۰۶	۱٫۰۷
قرقیزستان	۱٫۰۳	۱	۱	۱٫۰۱	۱٫۰۱	۱٫۰۱	۱٫۰۱	۱٫۰۱	۱٫۰۱
تاجیکستان	۰٫۸۶	۰٫۸۳	۰٫۸۲	۰٫۸۳	۰٫۸۴	۰٫۸۳	۰٫۸۳	۰٫۸۴	۰٫۸۷

مأخذ: UN. Millennium Development Goals Indicators

جدول ۵. محاسبات صورت گرفته و مدل های تخمین زده شده

شاخص	سوم	زیر معیار	حذف تبعیض جنسی در آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۰۵ و در کلیه سطوح آموزشی تا سال ۲۰۱۵			
سری زمانی	نسبت دختران به پسران در مقطع راهنمایی					
ردیف	نام کشور	مدل تخمین زده شده	معیار R^2	معیار R^2 تعدیل شده	ارزش معیار در سال ۲۰۱۵	رتبه تخمین زده شده در سال ۲۰۱۵
۱	قطر	ARIMA(2.0.3)	٪۹۹	٪۹۶	۱،۷۱۴	۱
۲	کویت	ARIMA(0.0.3)	٪۶۹	٪۵۴	۱،۰۴۵	۳
۳	عمان	ARIMA(2.0.1)	٪۹۵	٪۹۲	۰،۹۶۶	۷
۴	قزاقستان	ARIMA(2.0.3)	٪۷۸	٪۶۸	۰،۹۸۰	۵
۵	ازبکستان	ARIMA(0.0.1)	٪۶۹	٪۵۸	۰،۹۷۰	۶
۶	فلسطین	ARIMA(1.1.2)	٪۸۲	٪۶۹	۱،۰۸۰	۲
۷	قرقیزستان	ARIMA(2.0.1)	٪۹۲	٪۸۷	۱،۰۰۸	۴
۸	تاجیکستان	ARIMA(0.0.1)	٪۹۰	٪۸۵	۰،۸۳۷	۹
۹	ج.ا. ایران	ARIMA(1.0.3)	٪۹۵	٪۹۱	۰،۹۵۳	۸

مأخذ: محاسبات محقق

جدول ۶. نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر در مقطع دبیرستان

نسبت دختران به پسران در مقطع دبیرستان									
کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
قطر	--	۳,۶۵	۴,۰۹	۵,۰۱	۵,۶۸	۵,۷۴	۶,۲۶	۶,۱۲	۶,۰۵
کویت	--	۱,۹	۱,۹۳	۲,۰۹	۱۴,۲	--	--	--	--
امارات متحد عربی	۳,۱۱	۲,۸۴	۲,۸۵	۲,۸۸	--	--	--	--	۲,۰۵
بحرین	--	--	--	۱,۸۸	۱,۹۹	۲,۴۷	۲,۵۳	--	--
عمان	--	--	۰,۷۸	۰,۷۸	۱,۱۴	۱,۰۷	۱,۰۵	۱,۰۸	۱,۱۵
قبرس	۱,۳۱	۱,۳۷	۱,۲۶	۱,۰۳	۰,۹۸	۱,۱۳	۱,۰۵	۰,۹۹	۰,۹۶
عربستان سعودی	۱,۴۵	۱,۳۹	۱,۶۲	۱,۵۶	۱,۵۷	۱,۵	۱,۴۶	--	۱,۶۵
ترکیه	۰,۶۹	۰,۷۲	۰,۷۴	۰,۷۶	۰,۷۳	۰,۷۵	۰,۷۶	۰,۷۷	۰,۷۸
لبنان	۱,۰۵	۱,۰۵	۱,۱	۱,۱۶	۱,۰۹	۱,۱۳	۱,۱۵	۱,۲	۱,۲۴
ج.ا. ایران	۰,۸۵	۰,۹۲	۰,۹۸	۱,۰۴	۱,۰۶	۱,۰۴	۱,۰۶	۱,۱	۱,۱۴
قزاقستان	۱,۱۸	۱,۲	۱,۲۵	۱,۳۳	۱,۳۸	۱,۴۳	۱,۴۳	۱,۴۴	۱,۴۴
مصر	--	--	--	--	۰,۷۷	--	--	--	--
اردن	۱,۱۶	--	۱,۰۴	۱,۱۲	۱,۱۳	۱,۰۸	۱,۱۳	۱,۱۱	۱,۱۱
عراق	۰,۵۴	--	۰,۵۴	--	۰,۵۹	۰,۵۹	--	--	--
ازبکستان	۰,۸۳	۰,۸۱	۰,۸	۰,۷۷	۰,۷۹	۰,۷	۰,۷۱	۰,۷۱	۰,۶۸
یمن	۰,۲۸	--	--	--	۰,۳۸	۰,۳۷	۰,۳۹	۰,۴۲	--
فلسطین	۰,۹۲	۰,۹۶	۰,۹۸	۱,۰۴	۱,۰۴	۱,۰۳	۱,۱۷	۱,۲۲	۱,۲۳
قرقیزستان	۱,۰۱	۱,۰۴	۱,۱۴	۱,۱۹	۱,۱۹	۱,۲۵	۱,۲۷	۱,۳	۱,۳۶
تاجیکستان	۰,۳۴	۰,۳۲	۰,۳۳	۰,۳۳	۰,۳۳	۰,۳۵	۰,۳۷	۰,۳۸	۰,۴

مأخذ: UN. Millennium Development Goals Indicators

جدول ۷. جدول محاسبات صورت گرفته و مدل های تخمین زده شده

شاخص	سوم	زیرمعیار	حذف تبعیض جنسی در آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۰۵ و در کلیه سطوح آموزشی تا سال ۲۰۱۵			
سری زمانی	نسبت دختران به پسران در مقطع دبیرستان					
ردیف	نام کشور	مدل تخمین زده شده	معیار R^2	معیار R^2 تعدیل شد	ارزش معیار در سال ۲۰۱۵	رتبه تخمین زده شده در سال ۲۰۱۵
۱	فلسطین اشغالی	ARIMA(2.0.2)	٪۹۷	٪۹۴	۱,۳۰۶	۲
۲	لبنان	ARIMA(1.0.1)	٪۷۹	٪۷۳	۱,۲۲۰	۳
۳	فلسطین	ARIMA(1.0.0)	٪۸۴	٪۸۲	۱,۴۱۰	۱
۴	تاجیکستان	ARIMA(2.0.1)	٪۹۵	٪۹۱	۰,۴۹۶	۴
۵	ج.ا. ایران	ARIMA(1.0.3)	٪۹۸	٪۹۶	۰,۴۸۷	۵
۶	ترکیه	ARIMA(1.0.1)	٪۸۳	٪۷۷	۰,۴۶۴	۶
۷	قبرس	ARIMA(1.0.2)	٪۹۰	٪۸۴	۰,۴۱۷	۷

مأخذ: محاسبات محقق

در سری زمانی دوم از این شاخص (نسبت ثبت نام دختران به پسران در مقطع راهنمایی)، وضعیت همانند سری زمانی قبلی است؛ بدین معنی که عراق و یمن کمترین توجه را به دختران در مقطع تحصیلی راهنمایی دارند و برخلاف آن‌ها، قطر در رتبه نخست قرار دارد. پس از قطر، لبنان در مقطع راهنمایی دختران بیشتری را نسبت به پسران پذیراست و رتبه سوم نیز به فلسطین اختصاص دارد. البته طبق پیش‌بینی‌های مدل ARIMA در این سری پس از قطر به ترتیب فلسطین و کویت قرار دارند. با توجه به اعداد گزارش شده در جدول ۵ می‌توان ابراز داشت که ایران در این تقسیم‌بندی (نسبت دختران به پسران در مقطع راهنمایی) در جایگاه هشتم است. بنابراین، ارتقای جایگاه ایران در میان کشورهای منطقه و قرارگیری در میان پنج کشور اول منطقه، مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و منسجمی است که

توانایی پوشش شکاف موجود را داشته و روند حال حاضر را سرعت بخشد. در مقطع دبیرستان، یعنی سری سوم از این شاخص، همچنان قطر رتبه اول را در منطقه دارد و پس از آن، امارات متحده عربی و بحرین قرار دارند. در رده کمترین مقدار برای این شاخص، در سری زمانی سوم، تاجیکستان، ازبکستان، و ترکیه به ترتیب کمترین ارزش را برای این شاخص گزارش کرده‌اند. این در حالی است که طبق پیش‌بینی‌های مدل ARIMA فلسطین در رده نخست قرار دارد. ایران نیز در مقطع دبیرستان در شاخص نسبت دختران به پسران در جایگاه پنجم قرار دارد. در واقع این رتبه می‌تواند توجیه افزایش حضور زنان در بخش آموزش عالی باشد؛ به طوری که، کشور ما توانسته است در سری سوم در مقطع دبیرستان شکاف موجود در مقطع راهنمایی را تا حدی برطرف کند و زمینه‌ای برای حضور بیشتر زنان در آموزش عالی را فراهم کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین مقطع ابتدایی، راهنمایی، و دبیرستان شکاف زیادی وجود دارد که بیانگر خروج دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی است. با اینکه در ایران در مقاطع راهنمایی و دبیرستان شکاف جنسیتی دیده می‌شود، این شکاف در مقایسه با کشورهای اسلامی کمتر است. بنابراین، قرارگیری ایران در میان پنج کشور اول منطقه در افق سال ۲۰۱۵ دور از انتظار نیست.

مسئله دیگری که در اینجا باید به آن توجه کرد شاخص آموزش عالی در ایران است. بررسی‌ها درباره تحلیل وضعیت موجود، شاخص مذکور برای کشورهای ایران، کویت، قطر، امارات، بحرین، لیبی، عمان، عربستان، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، و فلسطین را بالاتر از ۱۰۰ نشان می‌دهد. این امر بیانگر آن است که در ۱۳ کشور منطقه شاخص زنان با تحصیلات عالی در مقایسه با مردان و به نسبت جمعیت کل هر کشور وضعیت بسیار مطلوبی دارد. در کشورهای ذکر شده به ازای هر یکصد مرد با تحصیلات دانشگاهی بیش از یکصد زن با تحصیلات عالی زندگی می‌کنند. میانگین شاخص مذکور برای کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷ برابر ۱۴۷ درصد است. در سال ۲۰۰۷، شاخص ایران در بین ۲۲ کشور منطقه رتبه ۹ است. البته در این رتبه، کشورهای لیبی و عمان نیز قرار دارند. اما با توجه به مقایسه جمعیت ایران با جمعیت کشورهای مذکور، ایران در رتبه بالاتری قرار می‌گیرد. نتایج پیش‌بینی این شاخص برای افق سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که شاخص ایران روند روبه‌رشد و افزایشی‌ای را دنبال کرده و شتاب آن مثبت خواهد بود.

شاخص سهم آورده (درآمد) زنان در بخش‌های غیر کشاورزی

با توجه به داده‌های گزارش شده در این شاخص و محاسبه‌های انجام گرفته، اگرچه تحلیل و تخمین براساس داده‌های گزارش شده در این شاخص برای همه کشورهای میسر نیست، همان‌طور که از جداول ۸ و ۹ می‌توان برداشت کرد، فلسطین اشغالی اولین کشور براساس محاسبات انجام شده است.

جدول ۸. داده گزارش شده در خصوص سهم درآمد زنان در بخش های غیرکشاورزی

سهم درآمد (آورده) زنان در بخش های غیرکشاورزی									
کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
قطر	--	۱۴,۵	--	--	۱۵,۵	--	--	۱۲,۵	--
امارات متحد عربی	--	--	--	--	--	--	--	--	۲۰,۱
بحرین	۱۲,۴	۱۳,۲	۱۲,۷	۱۲,۸	۱۱,۵	۱۱	۱۰,۳	۹,۸	۹,۶
فلسطین اشغالی	۴۸,۳	۴۸,۴	۴۸,۷	۴۸,۹	۴۸,۷	۴۹,۳	۴۹	۴۹	۴۹,۳
عمان	۲۴,۵	۲۵,۳	--	--	--	--	--	--	۲۱,۹
قبرس	۴۴,۴	۴۷,۴	۴۸,۲	۴۹,۳	۴۸,۲	۴۸,۲	۴۷,۷	۴۹,۱	۴۸,۶
عربستان سعودی	۱۴	۱۴,۲	۱۴	--	--	--	۱۴,۶	۱۴,۷	۱۴,۶
ترکیه	۱۹,۱	۱۹,۵	۱۹,۶	۲۰,۴	۱۹,۹	۲۰,۳	۲۰,۹	۲۱,۹	۲۲,۴
ج.ا.ایران	۱۳,۶	۱۱,۶	۱۲	۱۲,۱	۱۳	۱۶,۱	--	--	--
قزاقستان	--	۴۸,۵	۴۸,۱	۴۸,۷	۴۹,۴	۴۹,۱	۴۹,۹	۵۰,۱	۵۰
ترکمنستان	--	--	۴۲,۱	--	--	--	--	--	--
مصر	۱۹	۲۰,۷	۲۲,۴	۱۹,۹	۱۸,۸	۱۷,۷	۱۸,۱	۱۹	--
اردن	۱۴,۴	۱۴,۱	۱۴,۹	۱۳,۹	--	۱۳,۷	۱۵,۵	۱۵,۸	۱۵,۷
سوریه	--	۱۶,۱	۱۵,۹	۱۶,۱	--	--	--	۱۶,۳	--
عراق	--	--	--	--	۱۶	--	۱۵,۳	--	۱۲,۱
ازبکستان	۳۷,۱	۴۱,۶	۳۷,۱	۳۷	۴۰,۶	۴۰,۳	۴۰,۳	۳۹,۴	--
یمن	۷	۶,۵	--	۶,۱	۶	--	۶,۳	۶,۲	--
فلسطین	۱۳,۵	۱۵,۹	۱۷	۱۶,۸	۱۷,۹	۱۶,۱	۱۷,۱	۱۷	۱۷,۹
قرقیزستان	۴۵,۸	۴۵,۶	۴۴,۹	۴۷,۳	۴۹,۴	۵۱,۹	۵۲,۲	۵۰,۸	--
تاجیکستان	۴۰	۴۰,۹	۴۱,۶	۴۱,۱	۳۹,۸	۳۹,۴	۳۷,۱	--	--

مأخذ: UN. Millennium Development Goals Indicators

جدول ۹. جدول محاسبات انجام شده و مدل های تخمین زده شده

شاخص	سوم	زیرمعیار	حذف تبعیض جنسی در آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۰۵ و در کلیه سطوح آموزشی تا سال ۲۰۱۵		
سری زمانی	سهم در آمد (آورده) زنان در بخش های غیر کشاورزی				
ردیف	نام کشور	مدل تخمین زده شده	معیار R ²	معیار R ² تعدیل شد	ارزش معیار در سال ۲۰۱۵
رتبه تخمین زده شده در سال ۲۰۱۵					
۱	فلسطین	ARIMA(3.0.2)	٪۹۸	٪۸۲	۴۸,۳۲۳
۲	قبرس	ARIMA(31.1.3)	٪۸۸	٪۶۶	۴۹,۱۷۵
۳	ترکیه	ARIMA(2.1.3)	٪۸۰	٪۶۹	۲۴,۲۳۹
۴	قزاقستان	ARIMA(2.0.2)	٪۹۶	٪۸۰	۵۰,۵۳۰
۵	ج.ا. ایران	ARIMA(2.1.2)	٪۷۸	٪۶۷	۴۸,۶۳
۶	ازبکستان	ARIMA(0.1.4)	٪۸۹	٪۸۵	۴۳,۱۶۹
۷	فلسطین اشغالی	ARIMA(1.2.2)	٪۸۸	٪۸۲	۶۰,۱۴۳
۸	قرقیزستان	ARIMA(1.1.2)	٪۹۳	٪۹۰	۵۳,۰۹۰

مأخذ: محاسبات محقق

در این شاخص، با توجه به محاسبات انجام شده و نتایج به دست آمده از جدول ۹، کشور فلسطین اشغالی را می توان برترین کشور از این نظر دانست که البته با توجه به ساختار سیاسی این کشور پایداری این شاخص تا سال ۲۰۱۵ بسیار نامتحمل است، اما می توان گفت که تنها رقیب فلسطین اشغالی در افق سال ۲۰۱۵، با توجه به مقادیر صعودی موجود، قرقیزستان است. با توجه به گزارش های ناقص داده های موجود نمی توان اظهار نظر واضحی برای آینده این شاخص داشت، اما می توان اظهار داشت که با توجه به مدل برآورد شده، ایران در این شاخص در رتبه پنجم جدول جای دارد و طبق داده های گزارش شده در این شاخص، حضور ایران در میان

پنج کشور اول منطقه در سال ۲۰۱۵ نیازمند تغییرات بسیاری است. این موضوع ناشی از این مسئله است که بسیاری از زنان تحصیل کرده نمی‌توانند در زمینه اشتغال به جایگاه مناسب خود برسند و درصد کمی از زنان شاغل نسبت به مردان در مشاغل غیرکشاورزی مشغول به کارند. در کشور ایران، زنان بیشتر در مشاغل کشاورزی و خانگی مشغول به کارند و کمتر در مشاغل مدیریتی و اجرایی به کار اشتغال دارند. اما نکته مهم اینکه در ایران، با توجه به اینکه در زمینه اشتغال زنان در بخش‌های غیرکشاورزی شکاف وجود دارد، در زمینه تأمین اجتماعی پیشرفت‌های درخور توجهی داشته‌ایم؛ به طوری که، بیشترین رشد در بیمه‌های اجباری است که نشان‌دهنده بهبود ساختار شغلی زنان از حیث تحت پوشش بیمه قرار گرفتن در جامعه است. همچنین رشد بیمه‌های اختیاری نزد زنان حکایت از حساسیت بیشتر آنان به تحت پوشش بیمه بودن خود دارد.

شاخص تعداد کرسی مجلس در اختیار زنان

همان‌طور که در تعاریف این شاخص اشاره شده است، این شاخص نسبت نمایندگان زن مجلس هر کشور را به کل نمایندگان ارائه می‌کند. به عبارت دیگر، این شاخص به دنبال اندازه‌گیری میزان مشارکت و سهم زنان در تصمیمات سیاسی کشورهاست. اگرچه اظهارنظر درباره این شاخص به نوعی و به تعبیری خارج از محدوده تعاریف دموکراسی است، از آنجا که در همه کشورهای نمایندگان به طور متوسط برای چهار سال انتخاب می‌شوند، بنابراین امکان تخمین برای اکثر کشورها در این شاخص بسیار محدود است. جداول ۱۰ و ۱۱ نسبت‌های گزارش شده و محاسبه شده درباره نسبت کرسی‌های مجلس در اختیار زنان را نشان می‌دهند.

نتایج نشان می‌دهد که با توجه به روند گذشته، کشورهای قرقیزستان، عراق، و سپس تاجیکستان را می‌توان جز کشورهایی با تعداد بیشترین زنان نماینده در مجالس پارلمانی دانست و ایران در این شاخص رتبه هشتم را به خود اختصاص داده که جایگاه پایینی محسوب می‌شود. همچنین، با توجه به مدل‌های پیش‌بینی شده و ارزش‌ها و رتبه‌های گزارش شده در جدول ۱۱، می‌توان پیش‌بینی کرد که وضعیت موجود در سال ۲۰۱۵ نیز بدون تغییر باشد. به عبارت دیگر، براساس پیش‌بینی صورت گرفته، پس از ایران، مصر، عمان، و بحرین کمترین ارزش را در این شاخص در سال ۲۰۱۵ دارند. نکته درخور توجه اینکه ایران از لحاظ دستیابی به این شاخص در میان کشورهای مسلمان از جایگاه نسبتاً مناسبی برخوردار است. البته گفتنی است که اگر از تعریف سنتی میزان مشارکت سیاسی خارج شویم، یعنی فقط تعداد کرسی‌های متعلق به زنان را در نظر بگیریم، بلکه شاخص میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، و احزاب را در نظر بگیریم، رتبه ایران ارتقا خواهد یافت.

جدول ۱۰. نسبت کرسی‌های مجلس در اختیار زنان

نسبت کرسی‌های مجلس در اختیار زنان									
کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
کویت	--	--	--	--	--	--	۱٫۵	۱٫۵	۱٫۵
امارات متحده عربی	--	--	--	--	--	--	۲۲٫۵	۲۲٫۵	۲۲٫۵
بحرین	--	--	--	--	--	--	۲٫۵	۲٫۵	۲٫۵
فلسطین اشغالی	۱۱٫۷	۱۲٫۵	۱۳٫۳	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۴٫۲	۱۴٫۲
عمان	--	--	--	--	--	۲٫۴	۲٫۴	۲٫۴	--
قبرس	۵٫۴	۷٫۱	۱۰٫۷	۱۰٫۷	۱۰٫۷	۱۰٫۷	۱۶٫۱	۱۶٫۱	۱۴٫۳
ترکیه	۴٫۲	۴٫۲	۴٫۲	۴٫۴	۴٫۴	۴٫۴	۴٫۴	۴٫۴	۹٫۱
لبنان	۲٫۳	۲٫۳	۲٫۳	۲٫۳	۲٫۳	۲٫۳	۴٫۷	۴٫۷	۴٫۷
ج.ا. ایران	۴٫۹	۳٫۴	۳٫۴	۴٫۱	۴٫۱	۴٫۱	۴٫۱	۴٫۱	۴٫۱
قزاقستان	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۵٫۹
ترکمنستان	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	--	۱۶	۱۶	۱۶
مصر	۲	--	۲٫۴	۲٫۴	۲٫۴	۲٫۹	۲	۲	۱٫۸
اردن	--	--	۱٫۳	۱٫۳	۱٫۳	۵٫۵	۵٫۵	۵٫۵	۶٫۴
سوریه	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۰٫۴	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
عراق	۶٫۴	۷٫۶	۷٫۶	۷٫۶	--	--	۲۵٫۵	۲۵٫۵	۲۵٫۵
ازبکستان	۶٫۸	۷٫۲	۷٫۲	۷٫۲	۷٫۲	۷٫۲	۱۷٫۵	۱۷٫۵	۱۷٫۵
یمن	۰٫۷	۰٫۷	۰٫۷	۰٫۷	۰٫۳	۰٫۳	۰٫۳	۰٫۳	۰٫۳
قرقیزستان	۱٫۴	۲٫۳	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	--	--	۲۵٫۶
تاجیکستان	۲٫۸	۱۵	۱۲٫۷	۱۲٫۷	۱۲٫۷	۱۲٫۷	۱۷٫۵	۱۷٫۵	۱۷٫۵

مأخذ: UN. Millennium Development Goals Indicators

جدول ۱۱. محاسبات انجام شده در خصوص نسبت کرسی مجلس در اختیار زنان

شاخص	سوم	زیرمعیار	حذف تبعیض جنسی در آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۰۵ و در کلیه سطوح آموزشی تا سال ۲۰۱۵			
سری زمانی	نسبت کرسی‌های مجلس در اختیار زنان					
ردیف	نام کشور	مدل تخمین زده شده	معیار R ²	معیار R ² تعدیل شده	ارزش معیار در سال ۲۰۱۵	رتبه تخمین زده شده در سال ۲۰۱۵
۱	فلسطین اشغالی	ARIMA(3.1.3)	٪۹۹	٪۹۷	۲۴,۰۹۵	۲
۲	قبرس	ARIMA(2.1.2)	٪۸۹	٪۸۱	۱۹,۱۹۱	۴
۳	لبنان	ARIMA(1.1.3)	٪۹۴	٪۹۰	۴,۱۶۶	۷
۴	ج.ا. ایران	ARIMA(2.1.3)	٪۸۸	٪۷۷	۲,۲۰۲	۸
۵	قزاقستان	ARIMA(2.1.4)	٪۹۶	٪۹۱	۱۲,۵۰۳	۶
۶	سوریه	ARIMA(4.1.1)	٪۹۷	٪۹۰	۱۳,۸۶۶	۵
۷	ازبکستان	ARIMA(3.1.2)	٪۹۲	٪۸۳	۲۴,۰۳۰	۳
۸	مصر	ARIMA(3.1.2)	٪۹۱	٪۸۳	۰,۱۵۶	۹
۹	تاجیکستان	ARIMA(3.1.2)	٪۹۴	٪۸۶	۲۴,۸۶۶	۱

مأخذ: محاسبات محقق

نتیجه گیری

اهداف توسعه هزاره از مشخصه‌های توسعه اقتصاد در سطح بین‌الملل است که ۱۹۲ عضو سازمان ملل متحد و حداقل ۲۳ سازمان بین‌المللی بر تحقق آن‌ها در افق سال ۲۰۱۵ هم‌پیمان شده‌اند. تحقق این معیارها متضمن سلامت و رفاه بیشتری برای افراد کشورهای مختلف خواهد

بود؛ به طوری که، مشخصاً ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها را هدف قرار داده است. در این میان، هدف سوم از اهداف توسعه هزاره به ارتقای برابری جنسی و توانمندسازی زنان اشاره دارد.

جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش خاورمیانه و آسیای مرکزی است که در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۸ بررسی شده است.

در این مطالعه، در پی پاسخ به این پرسش هستیم که آیا ایران می‌تواند تا سال ۲۰۱۵ از لحاظ تحقق هدف سوم توسعه هزاره در میان پنج کشور اول آسیای مرکزی و خاورمیانه قرار گیرد؟ برای بررسی این موضوع، در ابتدا داده‌های مربوط به هدف سوم (شاخص‌های مربوط به نابرابری جنسیتی) در حوزه کشورهای مورد هدف را از گزارش‌های سالانه مربوط به اهداف توسعه هزاره استخراج و در سری‌های زمانی برای هر کشور و هر شاخص دسته‌بندی کردیم. سپس، ساختار اقتصادسنجی هر یک از سری‌های زمانی تخمین زده شده براساس مدل برآوردی ارزش آتی شاخص مذکور در سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی شد. همچنین، برای بررسی جایگاه ایران در سال ۲۰۱۵، مقدار آتی هر یک از شاخص‌ها به تفکیک هر کشور پیش‌بینی و در جداولی رتبه‌بندی شد. هدف سوم از اهداف توسعه هزاره سوم شامل زیرمعیار حذف نابرابری جنسی در آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۰۵ و در کلیه سطوح آموزشی تا سال ۲۰۱۵ و سه ابزار: نسبت دختران به پسران در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، و دبیرستان؛ سهم درآمد (آورده) زنان در بخش‌های غیرکشاورزی؛ و نسبت کرسی‌های مجلس در اختیار زنان است.

بررسی و پیش‌بینی داده‌ها درباره نسبت دختران به پسران در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، و دبیرستان نشان می‌دهد که در مقطع ابتدایی ایران از لحاظ نسبت دختران به پسران در منطقه رتبه اول را دارد، ولی با تغییر مقطع از ابتدایی به راهنمایی این جایگاه تنزل می‌یابد؛ به طوری که، در مقطع راهنمایی در جایگاه هشتم قرار می‌گیرد. ولی باز در مقطع دبیرستان این جایگاه ارتقا می‌یابد و در رتبه پنجم قرار می‌گیرد. این موضوع نشان می‌دهد که دختران به هر دلیلی پس از دوره دبستان مجبور به ترک تحصیل می‌شوند که این نکته باید مورد توجه مسئولان آموزشی در کشور ایران قرار گیرد. ضمناً برتری جمعیتی دختران در دوره ابتدایی را می‌توان حاصل ترکیب جنسی تولدها در چند سال اخیر دانست، اما ادامه پیدا نکردن این روند در مقاطع دیگر جالب توجه است. در این زمینه، لازم است که دولت با تعریف و تنظیم برنامه‌هایی برای ایجاد چسبندگی تحصیلی دختران در مقاطع دیگر باعث ارتقای وضعیت نسبت برابری جنسی شود. اما ارتقای جایگاه ایران در شاخص نسبت ثبت‌نام دختران به پسران در مقطع دبیرستان می‌تواند نشان‌دهنده فراهم شدن زمینه‌ها برای افزایش حضور زنان در عرصه آموزش عالی باشد؛ به طوری که، تا سال ۲۰۱۲ زنان نسبت به مردان ۶۵ درصد کرسی‌های دانشگاه را تصاحب کرده‌اند که این در نوع خود جالب توجه است.

درباره شاخص سهم درآمد زنان در بخش‌های غیرکشاورزی، با توجه به محاسبات انجام شده نتایج به دست آمده، کشور فلسطین اشغالی را می‌توان برترین کشور از این نظر دانست که با توجه به ساختار سیاسی این کشور پایداری این شاخص تا سال ۲۰۱۵ بسیار نامتحمل است. اما می‌توان گفت که تنها رقیب فلسطین اشغالی در افق سال ۲۰۱۵، با توجه مقادیر موجود، قرقیزستان است. با توجه به داده‌های گزارش شده در این شاخص، ایران توانسته است رتبه پنجم را کسب کند. بنابراین، حضور ایران در میان پنج کشور اول منطقه در سال ۲۰۱۵ نیازمند تغییرات بسیاری است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که با توجه به روند رو به رشد زنان در تحصیلات عالی، باید زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی لازم را برای حضور زنان در بازار کار فراهم آید. این در حالی است که در ایران زنان بیشتر در مشاغل کشاورزی و خانگی مشغول به کارند و با توجه به سهم بالای زنان در تحصیلات عالی درصد کمی از آن‌ها در پست‌های مدیریتی و اجرایی قرار دارند. در این زمینه، بدون شک تعریف سیاست‌های حمایتی در خصوص حضور زنان در بخش‌های اقتصادی و سیاسی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

درباره شاخص تعداد کرسی مجلس در اختیار زنان، نتایج نشان می‌دهد که با توجه به روند گذشته، کشورهای قرقیزستان، عراق، و سپس تاجیکستان را می‌توان جز کشورهایی با تعداد بیشترین زنان نماینده در مجالس پارلمانی دانست و ایران در این شاخص رتبه هشتم را دارد. همچنین با توجه به مدل‌های پیش‌بینی شده و ارزش‌ها و رتبه‌های گزارش شده می‌توان پیش‌بینی کرد که وضعیت موجود در سال ۲۰۱۵ نیز بدون تغییر باشد. به عبارت دیگر، براساس پیش‌بینی انجام شده، پس از ایران، مصر، عمان، و بحرین کمترین ارزش را در این شاخص در سال ۲۰۱۵ دارند. گفتنی است اگر نرخ حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، و احزاب را در نظر بگیریم، ایران از این لحاظ پیشرفت‌های درخور توجهی را در سال‌های اخیر داشته است. در این زمینه، تبیین برنامه‌ها و سیاست‌های برابرسازی جنسی نیز بسیار مؤثر خواهد بود. هنگامی که پایین بودن نسبت حضور زنان در صحنه سیاسی و اقتصادی کشور در کنار پایین بودن نسبت دختران به پسران در مقاطع تحصیلی (به جز ابتدایی) در نظر گرفته شود، تعریف سیاست‌های بنیادی جهت افزایش ظرفیت‌های آموزشی و اقتصادی برای حضور زنان و دختران به نظر خالی از فایده نخواهد بود.

در نهایت، باید اشاره کرد که با توجه به داده‌ها، گزارش‌ها، تحلیل‌ها، و محاسبه‌های انجام شده در حال حاضر ایران از لحاظ تحقق هدف سوم توسعه هزاره در میان پنج کشور اول منطقه قرار نخواهد گرفت؛ بنابراین، لازم است که سیاست‌های مناسبی برای ارتقای ایران در خصوص برابری جنسی و توانمندسازی زنان اتخاذ شود.

منابع

- [۱] اکرم، کاوه (۱۳۸۱). «بررسی پدیده تبعیض دستمزدی علیه زنان در بازار کار ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- [۲] پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ پولاب، ام‌البنی (۱۳۸۷). «آینده پژوهی وضعیت آموزش عالی زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، دوره ۶، ش ۳، ص ۱۴.
- [۳] جانسون، جک؛ دیناردو، جان (۱۳۸۸). *روش‌های اقتصادسنجی*، ترجمه فریدون اعرابی و علی‌اکبر خسروی‌نژاد، همدان: نور علم.
- [۴] خانی، فضیله (۱۳۸۹). «چارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری‌های جنسیتی در جهان»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، دوره ۸، ش ۳، ص ۸.
- [۵] روشن، رضا (۱۳۸۶). کاربرد برنامه‌نویسی *Eviews* در اقتصادسنجی، همدان: نور علم، ص ۴۲-۴۵.
- [۶] شیرین‌بخش، شمس‌الله؛ حسن خوانساری، زهرا (۱۳۸۴). کاربرد *Eviews* در اقتصادسنجی، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ص ۵۷-۶۲.
- [۷] صادقی فسائی، سهیلا؛ کلهر، سمیرا (۱۳۸۶). «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، دوره ۵، ش ۲، ص ۲۴-۲۶.
- [۸] صادقی، مسعود؛ مصطفی، عمارزاده (۱۳۸۳). «تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، دوره ۲، ش ۱، ص ۲۲-۵.
- [۹] لیس تورس، آماری و همکاران (۱۳۷۵). *جنسیت و توسعه*، ترجمه دکتر یوسفیان، چ ۵، تهران: هدی.
- [۱۰] موسوی خامنه، مرضیه؛ ودادهیر، ابوعلی؛ برزگر، نسرين (۱۳۸۹). «توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان نتایج مطالعه‌ای بین‌کشوری»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، دوره ۸، ش ۴، ص ۵۴.
- [۱۱] کتابی، محمود و دیگران (۱۳۸۴) «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، دوره ۱، ش ۷، ص ۵-۳۰.
- [۱۲] نخجوانی، احمد (۱۳۸۲). «اقتصاد ایران»، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، ص ۳۵-۳۸.
- [۱۳] ولزل، کریس؛ اینگلهارت، رونالد؛ دیتز کلینگ مان، هانس (۱۳۸۲). *توسعه انسانی نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [14] Bourguignon, F., et al. (2008). Millennium Development Goals at Midpoint: Where do we stand and where do we need to go? p 5.
- [15] Dollar, D. and R. Gatti. (1999). "Gender Inequality, Income and Growth: Are Good for Women?", Mimeographed Washigtn Dc: The World Bank, pp 20-22.

- [16] El-Saharty, Sameh, Gail Richardson and Susan Chase, (2006). " Egypt and the millennium development goals challenges and opportunities", Health, Nutrition ,and Population Family (HNP) of the World Bank's Human Development Network, pp 56-66.
- [17] ILO. Global Employment Trend. ILO, 2006.
- [18] Hodder, Rupert, (2000). Development Geography, Rotledge, p 54
- [19] Lee, Wing On (1998). "Eguity and access to Education in Asia: leveling the filed", International journal of educational research, 29, p. 667-683.
- [20] Roudi-Fahimi, Farzaneh and Lori Ashford, (2005). "Investing in reproductive health to active development goals The Middle East and North Africa", PRB(Population Reference Bureau), pp 4-7.
- [21] UN. Millennum Summit. United Nations; 2000; Available from: www.un.org/millennium/summit.htm.
- [22] UN. Official list of MDG indicators. UN MDG Development 2008 [cited 2010, 8 May 2010] ; Available from: UNDP. Indicators for Monitoring the Millennium Development Goals. New York: United Nations Publication; 2003.
- [23] UNDP, What will it take to achieve the Millennium Development Goals? An international assessment 2010: UNDP. 68.
- [24] UNDP, Indicators for Monitoring the Millennium Development Goals, 2003, United Nations Publication: New York, p 115.
- [25] UN. Millennum Development Goals Indicators, United Nations;; Available from: <http://unstats.un.org/unsd/mdg>.